

تحلیل مواضع کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در خصوص اعلام استقلال کردستان عراق
علی باقری دولت آبادی^۱ - محمد مجاهدزاده^۲ - مسعود محمدی^۳ - سید اصغر باقری نژاد^۴
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۱۰

چکیده:

یکی از موضوعات بحث برانگیز در داخل عراق و در سطح منطقه خاورمیانه، موضوع استقلال طلبی کردهای عراق است. اعلام یک طرفه این استقلال و برگزاری رفراندوم از سوی دولت اقلیم کردستان در سال ۲۰۱۷ منجر به مخالفت دولت مرکزی عراق و کشورهای همسایه گردید به نحوی که خیلی زود این اعلام استقلال با شکست مواجه شد. پژوهش حاضر قصد دارد ضمن توضیح مواضع کشورهای همسایه عراق در خصوص اعلام استقلال کردهای این کشور، به دلایل این مخالفت و نگرانی‌ها بپردازد. همچنین توضیح سیاست روسیه، اتحادیه اروپا، آمریکا و اسرائیل در قبال استقلال طلبی کردها از دیگر اهداف پژوهش حاضر خواهد بود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد دغدغه‌های امنیتی و نگرانی نسبت به تمامیت ارضی کشورهای منطقه، مهم‌ترین عامل مخالفت این دولت‌ها با تشکیل کردستان مستقل بوده است؛ این در حالی است که سایر بازیگران فرامنطقه‌ای کوشیده‌اند با اتخاذ مواضعی دوپهلوی از این موضوع به عنوان ابزاری برای تامین منافع ملی خود سود جویند. روش تحقیق در این پژوهش از نوع تحلیلی - توصیفی است و منابع به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

واژگان کلیدی: کرد، کردستان عراق، استقلال، ایران، ترکیه، سوریه

^۱ - دانشیار و عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی، دانشکده زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه یاسوج، کهگیلویه و بویر احمد، ایران: نویسنده مسئول

ab.dolatabadi@gmail.com

^۲ - دانش آموخته کارشناسی ارشد، روابط بین‌الملل، گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

mohammad.mojahedzadeh@gmail.com

^۳ - دانش آموخته کارشناسی ارشد، مطالعات منطقه‌ای، گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

^۴ - دانش آموخته کارشناسی ارشد، علوم سیاسی، گروه حقوق و علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران

مقدمه

بحران کردستان که پس از پایان جنگ جهانی اول تا به امروز به صورت پیوسته برای سه کشور بسیار مهم خاورمیانه یعنی ترکیه، عراق و ایران و میزان بسیار کمتری برای سوریه نقطه آسیب‌پذیری محسوب شده است اکنون به صورت یک پدیده ژئوپلیتیکی فعال در منطقه و جهان ظاهر گردیده است. مرزهای سیاسی بین ایران، عراق، سوریه و ترکیه در مناطق کردنشین، کردها را در چهار کشور پراکنده کرده است. این مناطق دارای اشتراکات زبانی، فرهنگی، نژادی، تاریخی و... هستند و مسلماً هر رویدادی در هر بخش، دیگر بخش‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد ولی به علت وجود تمایزاتی در بخش‌های مختلف کردنشین منطقه، تأثیرپذیری آنها یکسان نخواهد بود.

یکی از کشورهایی که کردها در آن نقطه کانونی تشکیل داده و طی دو دهه اخیر به شدت بحث استقلال را دنبال کرده‌اند کشور عراق است. کردهای عراق بعد از سقوط صدام حسین موفق شدند اداره شمال عراق و بخش‌های کردنشین را در قالب دولت اقلیم کردستان عراق در دست بگیرند. اگرچه این اقلیم تلاش نمود تا برخی نهادهای تشکیل دهنده یک کشور را در درون قلمرو خود راه اندازی نماید اما همواره از سوی کشورهای ثالث به عنوان بخشی از دولت عراق محسوب گردید و دولت مرکزی عراق نیز تنها بخشی از اختیارات را برای آنها به رسمیت شناخته است. تا سال ۲۰۱۷ روابط اقلیم کردستان عراق با دولت مرکزی گرم و صمیمی بود و کردها به عنوان یکی از گروه‌های جمعیتی عراق ریاست جمهوری را به عنوان سهم خود از قدرت در دوران بعد از صدام در دست داشتند. در سال ۲۰۱۷ اعلام یک طرفه و ناگهانی برگزاری رفراندوم استقلال در مناطق کردنشین از سوی مسعود بارزانی این روابط را متشنج ساخت. رفراندومی که با اصرار وی برای برگزار کردن آن نتیجه‌ای جز لشگرکشی دولت مرکزی به مناطق کردنشین و رد نتیجه رفراندوم حاصل دیگری به همراه نیاورد. گذشته از دولت مرکزی عراق هیچ یک از همسایگان عراق از جمله ایران، ترکیه و سوریه نیز این رفراندوم را به رسمیت نشناختند و مرزهای خود را بر روی هرگونه تبادلات اقتصادی با این اقلیم بستند. اقدامی که نهایتاً موجب عقب نشینی کردها از خواسته خود و تسلط دولت مرکزی عراق بر تمامیت ارضی خود شد پژوهش حاضر قصد دارد تا به تحلیل مواضع کشورهای فوق و نیز کشورهای روسیه، آمریکا، اتحادیه اروپا و رژیم اسرائیل در خصوص استقلال طلبی کردها بپردازد. برای این منظور از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است.

پیشینه پژوهش

موضوع کردستان و کردها همواره برای پژوهشگران خاورمیانه موضوع جذابی بوده است به نحوی که در ایران به عنوان یکی از کشورهای میزبان این جمعیت طی سال‌های اخیر پژوهش‌های متعددی منتشر شده است. (اخوان کاظمی و دیگران، ۱۳۹۶؛ مسعودنیا و دیگران، ۱۳۹۶؛ بوژمهرانی و پوراسلامی، ۱۳۹۳؛ پیشگاهی فرد و نصراللهی زاده، ۱۳۹۰؛ موسوی زاده و جاودانی مقدم، ۱۳۸۸، صادقی و رحیمی، ۱۳۹۶؛ خیری و دیگران، ۱۳۹۵؛ باقری دولت آبادی و رحیمی دهگلان، ۱۳۹۴؛ باقری دولت آبادی و ماهیدشتی، ۱۳۹۶). این پژوهش‌ها نقطه تمرکز خود را بر تحولاتی که در درون کردستان عراق، سوریه یا ترکیه رخ داده قرار داده و تلاش کرده‌اند روابط کردهای عراق با هم‌تایان خود در سایر کشورهای منطقه و نیز این روابط را در سطح فرامنطقه‌ای مورد تحلیل قرار دهند. لذا اصل خواسته کردها و تحلیل مواضع کشورهای منطقه درباره فراندوم سال ۲۰۱۷ کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر قصد دارد تا این نقیصه را برطرف نماید. برای این منظور ابتدا نگاهی نظری خواهیم داشت به نحوه شکل‌گیری دولتها به لحاظ نظری و الگویی که دولت اقلیم کردستان عراق به دنبال آن بود و آنگاه واکنش‌ها نسبت به این رخداد را ارزیابی خواهیم کرد.

چارچوب نظری

دولت- ملت سازی روندی است که طی آن یک جامعه سیاسی تلاش می‌کند از طریق انباشت قدرت و توسعه ظرفیت نهادی، خودمختاری، حاکمیت و استقلال خود را کسب، حفظ و ارتقا دهد (زرگر، ۱۳۸۶: ۱۱۷) برای تشکیل یک دولت الگوهای متعددی وجود دارد: ۱- مدل از پایین به بالا (اروپایی)؛ ۲- مدل از بالا به پایین (آمریکایی)؛ ۳- مدل بین‌المللی.

الف) مدل از پایین به بالا

مدل از پایین به بالا در طول زمان به تدریج و بر اساس برخی عوامل از جمله ارتباطات یک گروه انسانی ساکن در سرزمین مشخص، به یک فرهنگ واحد و بر مبنای آن به هویت مشترک دست می‌یابند و در جهت حفظ وجود متمایز و بهبود رفاه خود، سعی در ایجاد دولت خود می‌نمایند. در این مدل مبنای پایه ملت اساساً قومی است. (امینیان و کریمی، ۱۳۹۱: ۷۳) کشورهای اروپایی بر پایه این مدل شکل گرفتند.

ب) مدل از بالا به پایین

در مدل بالا به پایین که نمونه بارز آن ایالات متحده بوده است یک دولت قوی با نهادهای رو

به توسعه به تدریج یک جمعیت شدیداً نامتجانس را با ابزارهای مختلف از جمله ناسیونالیسم و رشد حقوق مدنی و شهروندی یکپارچه و همبسته نموده و به حالت ملت در آورده است. در این وضعیت دولت به عنوان برنامه ریز اصلی وارد پروسه ملت سازی شده و با روش‌ها و سیاست‌های مختلف سعی در حل بحران ملت‌سازی می‌نماید. (زرگر، ۱۳۸۶: ۱۲۱)

ج) مدل بین‌المللی

در این مدل دولت - ملت‌سازی، که از تجارب دهه ۱۹۹۰ در بالکان، عراق، افغانستان و ... گرفته شده، یک عامل خارجی تلاش دارد تا در این روند دخالت کند. بدین صورت که ابتدا دولتی کارآمد با نهادهای حکومتی تثبیت شده ایجاد و پس از حفظ و تأمین نظم عمومی، در جهت ملت سازی تلاش نماید. این نوع مدل را نیز می‌توان دولت - ملت‌سازی بین‌المللی^۱ یا دولت - ملت‌سازی از بیرون^۲ و یا به تعبیر دیگری ملت‌سازی امپریالیستی^۳ نامید. (زرگر، ۱۳۸۶: ۱۲۴؛ Aghion, Pers- on & Riuzet, 2014) چون در بسیاری از جوامع در حال توسعه دولت‌سازی هنوز با ایرادات فراوانی همراه است به ویژه در برخی کشورها حتی حداقل شرایط لازم یعنی اشباع سرزمینی، اعمال حاکمیت ملی و خودمختاری واقعی مشاهده نمی‌شود و نوعی ناکارآمدی مدیریتی وجود داشته است. (See: Porter, 2003:51) اعلام استقلال کردهای عراق تقریباً با این الگو همراه بود و تا حد زیادی به واسطه دلگرمی‌ها و امیدهایی که آمریکا به کردها داده بود دنبال شد. الگویی که بعداً مشخص گردید چندان موفق نبوده و می‌تواند حتی داشته‌های کردها را نیز از آنها سلب نماید. به ویژه که کردها در طی روند دولت - ملت‌سازی با چالش‌آفرینی نیروهای خارجی نیز مواجه هستند.

کشورهای دارای اقلیت کرد و مواضع آنها در خصوص تشکیل کردستان عراق

ترکیه

ترکیه یکی از کشورهایی است که از همان ابتدای تشکیل با مساله کردها و تقاضای خود-مختاری آنها مواجه بوده است. جامعه کردهای ترکیه چیزی بالغ بر ۲۰ درصد جمعیت حدود ۸۰ میلیونی ترکیه را تشکیل می‌دهند و در نواحی شرقی و جنوب شرقی کشور ساکن هستند. (Hate- m and Dohrmann, 2013. 52) در اوایل پیدایش این جمهوری تضمین کرد که به کردها میزانی از خودمختاری و حقوق فرهنگی داده می‌شود. حکومت جدید یک برنامه افراطی

^۱-International Nation-and State Building

^۲-Nation-Building from Outside

^۳-Imperial Nation-building

سکولارگرایی و ایجاد یک کشور واحد و غیرقابل تقسیم بر اساس یک زبان و یک ملت را آغاز کرد. این کار لزوماً نیازمند تبدیل و تغییر مردم با اختلافات نژادی و زبانی به مردم یکدست ترک بود (Yildiz, 2004:82). از زمان روی کار آمدن کمال آتاتورک تا اوایل دهه ۹۰ (تقریباً هفتاد سال) دولت مرکزی ترکیه سعی بر نفی هویت کردها و اطلاق عنوان «ترک‌های کوهستان» به آنها را داشت و محدودیت‌های قانونی و اجرایی بر سر زبان و فرهنگ کردی ایجاد می‌کرد. هدف آتاتورک سرکوب واقعی مردم کرد جنوب شرق ترکیه بود. لذا سرکوب شورش افسران و نخبگان کرد و تبعید گروهی کردها همراه با نابودی روستاها آغاز شد، مبارزه‌ای که تقریباً ۲۰ سال به طول انجامید. (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۵) در طول این مدت، مبارزات شورشیان کرد با دولت مرکزی در سال‌های ۱۹۲۵، ۱۹۳۰ و ۱۹۳۸ و در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ توسط شبه-نظامیان جناح چپ کرد ادامه داشت. (Urrutia and Villellas, 2012)

خواست کردها مبنی بر حقوق فرهنگی، زبانی و هنری و همچنین کشور مستقل در سه دهه گذشته، با وجود تبعیض پایدار، با کشمکش مسلحانه میان ترکیه و پ.ک.ک؛ که از ۱۹۸۴ آغاز شده، انطباق و ارتباط مستقیم داشته است. هدف اولیه پ.ک.ک. که کشور مستقل کرد برای همه کردهای خاورمیانه بود در دهه ۱۹۹۰ به مسئله کرد درون مرزهای ترکیه تغییر کرد. پ.ک.ک. و جنبش گسترده ملی‌گرایی کرد به طور مشترک خواستار حقوق فرهنگی و زبانی، پایان قوانین تبعیض‌آمیز، مشارکت سیاسی، تمرکز زدایی از ترکیه و توافق با شبه‌نظامیان پ.ک.ک. و عبدالله اوچالان، رهبر این گروه هستند. (Dahlman, 2002. 280-281) اصلاحات محدود دموکراسی-سازی در ترکیه که تحت تاثیر فشارهای حقوق بشری اتحادیه اروپا انجام شده است پاسخ مناسب و قابل قبولی به این خواسته‌ها نداده است. به نحوی که تحركات مناقشه‌آمیز محلی و منطقه‌ای کردها را به همراه داشته و مبارزه‌ی مسلحانه‌ی پ.ک.ک. را به چالشی برای کشور ترکیه تبدیل کرده است. افزایش خشونت پ.ک.ک. در ترکیه در سال ۲۰۱۲ با بحران سوریه و اختلافات مربوطه میان کشورهای منطقه به ویژه به شکل مخالفت ترکیه با رژیم اسد و پایان همکاری متغیر ترکیه-سوریه - ایران علیه این گروه مسلح هم‌زمان بوده است. (Urrutia and Villellas, 2012)

ترکیه در کنار چالش فزاینده سیاسی- نظامی پ.ک.ک. پس از ۱۹۹۱ با دو چالش برون‌مرزی در ارتباط با کردها روبرو گردیده است. یکی چالش تأسیس خودگردانی در شمال عراق که بر ترکیه تأثیر گذاشته است و دیگری چالش تحصیل شرایط خاص برای عضویت در اتحادیه اروپا، از

جمله بهبود وضع کردها از نظر دموکراسی و حقوق بشر و اختیارات منطقه‌ای و غیره. ترکیه به شدت نگران تأثیرگذاری تحولات شمال عراق بر منطقه گردنشین خود می‌باشد و بر این باور است که تأسیس دولت مستقل کردی در شمال عراق باعث تشدید تمایلات جدایی‌طلبانه کردها شده و وحدت دولت ترکیه را به خطر می‌اندازد. (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۵) به همین خاطر موضع ترکیه نسبت به عراق و کردها یک موضع واحد نبوده است. همچنین نمی‌توان این موضع را جدا از مسائل دیگر مثل عضویت در شورای اروپا، نقش و جایگاهش در ناتو، تأثیر رو به رشد اسلام در یک کشور سکولار و البته، مسئله‌ی حل‌نشده کرد که با آن مواجه است در نظر گرفت. (Yildiz, 2004. 81) جنگجویان پ.ک.ک. با وجود دستگیری، بازداشت و محاکمه عبدالله اوچالان در ۱۹۹۹ و اعلام آتش‌بس از سوی وی، هنوز هم در کردستان عراق فعالیت دارند و از آن به عنوان پایگاه نظامی خود استفاده می‌کنند. (Cagaptay and Yolbulan, 2016. 65)

در تاریخ ترکیه برای اولین بار در سال ۱۹۹۲ تورگوتاووزال رئیس‌جمهور وقت این کشور واقعیت مسئله کردها را پذیرفت و از آن نه به عنوان یک جنبش جدایی‌طلبانه بلکه مسئله‌ای که به جای اقدامات نظامی با استفاده از رویکردهای مکمل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قابل حل است یاد کرد. (Efegil, 2011. 27) به امر تورگوتاووزال این دسته از اصلاحات نیز به فراموشی سپرده شد اما با به قدرت رسیدن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه، که یکی از شعارهای خود را پایبند بودن به دموکراسی و حل مسئله کردها اعلام کرده بود، امیدها در میان کردها و جامعه ترک در ترکیه تقویت شد. در این راه دولت برخاسته از حزب عدالت و توسعه اصلاحاتی چند را برای به رسمیت شناختن هویت و فرهنگ کرد در ترکیه انجام داد. این حرکت با اولین دوره مذاکرات صلح در سال ۲۰۰۳ دنبال شد و به دنبال آن در تابستان ۲۰۰۹ حکومت فرایندی را بعنوان گشایش دموکراتیک با هدف عادی‌سازی و امنیتی‌زدایی از مسئله کرد و فراهم‌سازی راه حلی با وسایل دموکراتیک و مدنی آغاز کرد. (Celep, 2013. 170) افتتاح اولین کانال تلویزیونی کردی دولتی، TRT6 از سوی دولت و اعزام یک گروه از پیشمرگه‌های کرد به عنوان «سفیران صلح» در سال ۲۰۰۹ به ترکیه، برخی از اقدامات دوطرف برای رسیدن به صلح در این راستا بودند (Tekdemir, 2016) اما این روند با وقوع کودتا در ترکیه در سال ۲۰۱۶ متوقف و فشار بر کردها مجدد از سرگرفته شد. آنچه شرایط را از آنچه که بود بدتر کرد در دست گرفتن اختیار مناطق شمال سوریه از سوی یگان‌های مدافع خلق کرد - که نزدیک به گروه پ.ک.ک بودند - و اعلام برگزاری فراندوم استقلال کردستان عراق در سال ۲۰۱۷ بود.

آنچه درباره کردهای شمال عراق باید گفت این است که ترکیه هرگز دو حزب اصلی کردستان عراق (اتحادیه میهنی و حزب دموکرات) را سازمان‌های تروریستی خطاب نکرده است. ترکیه و کردستان مستقل با وجود نظرات مخالف، اهداف مشترک و منافع متقابل زیادی دارند. کردستان با وجود سکولار و طرفدار غرب بودن باعث می‌شود یک متحد طبیعی برای ترکیه و یک ضربه‌گیر برای مقابله با کشور عربی اسلامی در جنوب باشد. همچنین دولت اقلیم کردستان و دولت ترکیه منافع استراتژیکی مشترکی دارند و امروزه هر دو از لحاظ اقتصادی به هم وابسته هستند. دولت اقلیم کردستان، ترکیه را حامی عمده‌ی خود در توسعه اقتصادی‌اش می‌داند. زیرا ترکیه تنها مسیر انتقال انرژی کردستان به بازار اروپا است و ترکیه نیز اقلیم را مکان مناسبی برای تجارت و سرمایه‌گذاری ارزیابی می‌کند. (Barzani, 2012. 62)

در حال حاضر ترکیه خواستار حفظ یکپارچگی عراق و مخالف استقلال کردستان است. نزدیکی این کشور به ایران طی سه سال گذشته نیز دقیقاً به همین نگرانی باز می‌گردد. ترکیه بیم آن را دارد که استقلال کردهای عراق به عنوان کاتالیزوری برای تجدید مبارزات پ.ک.ک. در جهت استقلال کردهای ترکیه عمل نماید. (Fonk, 2016. 35) به همین خاطر آنکارا همواره پیام روشن و مستقیمی را برای کردهای عراق ارسال کرده است که در صورت اعلام استقلال می‌بایست آماده پیامدهای اقتصادی سیاسی آنکه محصور شدن در شمال عراق خواهد بود باشند. کما اینکه در سال ۲۰۱۷ نیز این اراده را به نمایش گذاشت و هرگونه روابط اقتصادی با کردستان عراق را قطع و این منطقه را با تحریم اقتصادی مواجه کرد. اگر چه در حال حاضر نگرانی ترکیه از بابت کردستان عراق تا حدی مرتفع شده است؛ اما آنکارا به دنبال آن است تا هرگونه فرصت احتمالی از کردها را برای اعلام استقلال در آینده بگیرد. حضور در مناطق شمالی سوریه و اشغال آن تا حد زیادی به نگرانی‌های امنیتی ترکیه باز می‌گردد. اشغال این مناطق می‌تواند پیوستگی‌های سرزمینی مناطق کردنشین را از بین برده و همچنین دسترسی کردها به داخل ترکیه را مسدود سازد.

سوریه

مورد سوریه برای همه کشورهای منطقه و کشورهای قدرتمند جهان از جمله آمریکا در بحث کردها استثنا است و هر تحولی در آن می‌تواند تأثیر بنیادینی بر منافع هر یک از طرفین بگذارد. در واقع این استثناء ناشی از پیچیدگی استراتژیک، رادیکال شدن تحولات در سوریه و تعدد بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در مسأله سوریه است و ایجاد تعادل بین نیروهای درگیر در ماجرای سوریه

کار چندان ساده‌ای نیست و تضاد منافع در تحولات سوریه میان کشورهای گوناگون به‌روشنی دیده می‌شود. (بیات، ۱۳۹۰: ۱۷۶)

در سوریه کردها بین ۱/۷ تا ۲ میلیون نفر یعنی حدود ۱۰ درصد از جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند. کردها بزرگ‌ترین اقلیت غیر عرب در سوریه می‌باشند و بیشتر در عفرین شمال حلب، منطقه عین العرب در امتداد مرز ترکیه در شمال و شمال شرق حسکه و در شمال شرقی سوریه یعنی جزیره متمرکزند. تعداد فراوانی هم در دمشق و حلب هستند که در میان جمعیت سوریه بزرگ‌ترین اقلیت نژادی این کشور را تشکیل می‌دهند. (Kurd Watch, 2009) رابطه کردهای سوریه با دولت اسد را باید از زمان زمامداری حافظ اسد بررسی کرد. به‌طور کلی از آن زمان تا به امروز، رابطه خوب و حسنه‌ای بین کردها و دولت سوریه برقرار نبوده است. در سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۱ که حزب بعث در سوریه قدرت را در دست گرفت، تأکید حزب بعث بر ناسیونالیسم عربی، تنش را میان کردها و اعراب افزایش داد. زبان کردی هرگز رسمیت نیافت و استفاده از آن در اماکن رسمی ممنوع شد. حق شهروندی تا سالیان طولانی به آن‌ها اعطا نشد و حتی در حال حاضر هم برخی از کردها شهروند محسوب نمی‌شوند. توصیف هویت سوریه به عنوان عرب و اسلامی، کردها را از جامعه اصلی سوریه جدا کرده است. سوریه تا قبل از وقوع ناآرامی‌های این کشور، سیاست صدام حسین را در انتقال هزاران عرب به مناطق کُرد سوریه برای ایجاد یک ضربه‌گیر و مانع میان کُردهای خود و مردم کُرد در کشورهای همسایه دنبال می‌کرد. همچنین دولت سوریه از کارت کُردی برای مقابله با همسایگان سود می‌جست. (Barkey, 2009. 10) پس از سقوط صدام حسین و خودمختار شدن مناطق کردنشین عراق کردهای سوریه نیز از این تحولات تاثیر پذیرفتند و گروه‌های از آنها راه مقابله با دولت مرکزی را در پیش گرفتند.

رابطه کردهای سوریه با اسد پس از آغاز درگیری‌ها در سال ۲۰۱۱ وارد مرحله جدیدی گردید. با آغاز بحران داخلی سوریه بخشی از کردها که دلخوشی از سیاست‌های دولت اسد نداشتند در جایگاه مخالف دولت حاضر شدند و حتی علیه دولت در تظاهرات شرکت کردند. در این میان گروهی دیگر از کردها نیز تحت تأثیر مواضع حزب اتحاد دموکراتیک راه همراهی با دولت اسد را در پیش گرفتند. این فرصتی بود برای احزابی که سال‌ها به خاطر ماهیت کردی‌شان در انزوا قرار داشتند تا وارد عرصه شوند و اهداف خود را دنبال کنند. (باقری دولت آبادی و دهگلان، ۱۳۹۴: ۱۲۳-۱۵۰) آنچه درباره کردهای سوریه باید گفت این است که جنبش ملی‌گرای کُرد در سوریه مخصوصاً در مقایسه با ترکیه و عراق تاکنون کمتر به چشم آمده است. سیاست‌های

سرکوبگرانه رژیم مانع اقدامات گروهی شده است. در حالی که تجزیه سیاسی کردستان در دستور کار دمشق قرار داشته تا برخی رهبران خاص کُرد را به همکاری وادار و با برخی از سازمان‌های آنها مدارا کند. رویکرد کُردها در مواجهه با دولت مرکزی با وجود خواسته‌هایی مبنی بر حقوق فرهنگی، مدنی و سیاسی کمتر خصومت‌آمیز بوده است درحالی‌که خواست آنها مبنی بر خود مختاری و نه استقلال تقریباً امری است تازه و مربوط است به چند سال اخیر. این عدم خصومت با دولت مرکزی، به احساس پیچیده میان بخش‌های مهم کُردها در سوریه بر می‌گردد که با وجود شکایت‌ها و نارضایتی، احساس وفاداری و تعلق به سوریه را حفظ کرده‌اند. (Barzani, 2012. 65)

ذکر این نکته اهمیت دارد که تحول در جنبش کُردی در سوریه تحت تأثیر سایر بازیگران کُرد منطقه و ارتباط این بازیگران با دولت سوریه بوده است؛ یعنی نشان دادن مجدد ارجحیت منافع ملی بر دفاع از موضوع کُردی در خارج از مرزها. دمشق به خاطر الزامات ژئوپلیتیکی دائماً از جنبش‌های ملی‌گرای کُرد در کشورهای همسایه حمایت کرده است. دمشق به گروه‌های کُردهای عراق مثل اتحادیه میهنی و حزب دموکرات اجازه داد تا مرکز فرماندهی خود را در داخل خاک سوریه قرار دهند. همان کاری که برای پ.ک.ک. و رهبر آن عبدالله اوجلان انجام داد تا اینکه با تهدید آنکارا در دهه ۱۹۹۰ آنها را اخراج کرد. اما اکنون که این کشور کنترلی بر مناطق شمالی خود ندارد و عملاً آنجا به پایگاهی برای پ.ک.ک. تبدیل شده است ترکیه خود را مجاز به اشغال مناطق عفرین، جزیره، منبج و... می‌بیند تا بتواند کنترل مرزهای خود را در دست بگیرد. این اقدام اگر چه به لحاظ حقوق بین‌الملل قابل پذیرش نیست و دولت سوریه نیز آن را محکوم کرده است اما چون جلب رضایت قدرت‌های بزرگ را با خود به همراه داشته است در سکوت باقی مانده است. (Isik, 2016; Peters, 2018)

در کل باید گفت تحولات منطقه به ویژه شمال عراق کُردهای سوریه را نیز بی‌نصیب نگذاشته است. جنبش سیاسی کُردهای سوریه نیز شکل گرفته و در حال حاضر تعدادی حزب سیاسی کُردی به صورت غیرقانونی در سوریه فعالیت می‌کنند و خواسته‌های خود را در راستای شناسایی فرهنگی و تأمین حقوق انسانی برای اقلیت کُرد مطرح می‌نمایند. (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۷)

در حال حاضر هرگونه حمایت از کُردهای سوریه باعث ناراحتی ترکیه خواهد شد زیرا ترکیه بارها اعلام کرده است که استقرار هر نوع دولت کُرد در سوریه بسیار نامطلوب است. کُردهای سوریه در کسب قدرت و پایگاه بیشتر در شمال شرق سوریه از لحاظ استراتژیکی می‌توانند تأثیرگذارتر باشند. اگر کُردهای سوریه بیش از حد به ترکیه فشار وارد کنند آنکارا ممکن است تصمیم بگیرد

که به خاطر سرکوب کردهای سوریه هرگونه حمایت از کردهای عراق در آینده را کنار بگذارد. این کار تنها متحد بالقوه کردستان عراق در بحث اقتصادی را از همسایه خود دور خواهد کرد که به نوبه خود باعث فلج شدن اقتصاد کردستان و ناآرامی بیشتر در منطقه می‌گردد. در هر حال، گفتگوها میان دولت سوریه و کردها بر روی خودمختاری بیشتر کردستان سوریه ادامه دارد (Fon- k, 2016: 40-41) و در آینده نیز سوریه همانند آنچه در مورد کردهای اقلیم کردستان عراق اتفاق افتاد از تجزیه خاک عراق استقبال نخواهد کرد. تصور دولت سوریه این است که بحث استقلال کردهای عراق بهانه‌ای برای به آشوب کشاندن منطقه و تسری دادن بحران به خاک کشورهای همسایه است تا قدرت آنها تضعیف گردد. لذا بشار اسد ترجیح می‌دهد در حال حاضر تمرکز خود را بر بحث مبارزه با تروریسم و داعش متمرکز ساخته و از هرگونه مباحث حاشیه‌ای بویژه درباره کردها احتراز نماید.

ایران

موضع منفی ایران در قبال اعلام استقلال کردستان عراق بیش از هر چیز به نگرانی‌های امنیتی ایران و بویژه حوادث یک سده اخیر در مرزهای غربی آن باز می‌گردد. ایران نیز همانند عراق، ترکیه و سوریه دارای جمعیت کردنشین در استان‌های غربی خود است و نسبت به تمامیت ارضی خود دغدغه‌های جدی دارد. این ترس بیشتر از ناحیه دشمنان ایران است که ممکن است به هر بهانه‌ای کردها را تحریک کرده و آنان را به مقابله با حکومت مرکزی وا دارند.

جمعیت کردهای ایران طبق برخی آمارها حدود ۱۰ تا ۱۲ میلیون تن و ۱۲/۵ تا ۱۵ درصد کل جمعیت ایران است. (Kurdish Diaspora, 2017) کردها و فارس‌ها برخلاف رابطه‌ی کردها با اعراب و ترک‌ها در این دو کشور همسایه، دارای پیوندهای زبانی و فرهنگی هستند. این ارتباطات همراه با قبول میزانی از منحصر به فرد بودن قوم کرد در ساختن ایران نوین به توضیح اینکه چرا برای کردهای ایران خودمختاری بر استقلال ارجحیت دارد کمک می‌کند. ایران حداقل از دو جنبه تاریخی مهم زمینه بروز احساسات ملی‌گرایانه کرد است: ایران محل پیدایش حزب دموکرات کردستان ایران (PKDI) است که از آن حزب دموکرات کردستان (KDP) به وجود آمد (و از این حزب نیز حزب رقیب یعنی اتحادیه میهنی کردستان (PUK) مشتق شد) و دیگر اینکه جمهوری مهاباد در شهر مهاباد اولین حکومت خودخوانده کردها بود که از دسامبر ۱۹۴۶ تا ژانویه ۱۹۴۶ دوام آورد. لذا کردستان ایران استقرار اولین موجودیت سیاسی کرد را پس از سقوط امپراتوری‌ها یک بار تجربه کرده است. پیش از سقوط شاه روابط ایران و کردها خوب نبود و با تنش همراه

بود. حزب دموکرات کردستان ایران و کومله به عنوان رهبر آرمان‌های کردها متأثر از همین فضا شکل گرفتند. (Yildiz, 2004.84)

ایران پس از انقلاب ۱۹۷۹ با تکیه بر ریشه‌های نژادی و قومی مشترک فارس‌ها و کردها تلاش کرد تا با کردها همکاری کند. ایران با وجود تفاوت‌های قومی و نژادی میان کردهای سنی و ایرانیان شیعه فرهنگ کردی را بیشتر پذیرفته است. از برخی جهات، مسائل کردهای ایران با موضوعات کردهای ترکیه بسیار متفاوت است. سیاست ایران در قبال کردها نسبت به ترکیه در رابطه با حقوق زبان کردی و رسوم فرهنگی مثل موسیقی، فرهنگ مردم و رقص با اغماض بوده است. با این وجود، موضوعاتی در میان کردهای ایران نسبت به دولت وجود دارد که احساس می‌کنند از برخی جهات کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. در طول تاریخ شورش کردها اساساً زمانی روی داده است که ایران به خاطر اشغال یا شورش‌های داخلی در حالت ضعف بوده است. مخالفت کردها در ایران در دست حزب دموکرات کردستان ایران^۱ (KDPI) و کومله است و امروزه پایگاه آنها در داخل خاک اقلیم کردستان قرار دارد. روابط میان تهران و سایر بازیگران کرد در منطقه هم تأثیر تعیین‌کننده‌ای روی موضوع کردی در ایران داشته که محدودیت‌ها و تناقضات همکاری مرزی کردی را به شکل چشمگیری برجسته می‌کند. همکاری تهران با گروه‌های کرد عراق بخش مهمی از روابطش در دوران جنگ با رژیم صدام حسین بود یعنی به گروه‌های کرد نظامی عراق پناه داد و به آنها اجازه داد تا پایگاه‌های خود را در ایران مستقر کنند و از داخل سرزمین ایران عملیات انجام دهند. (Milburn, 2017.1-8) این همکاری بستر توسعه روابط ایران با اقلیم کردستان عراق پس از سقوط صدام حسین را فراهم کرد. ایران در جریان عملیات آزادی عراق، کنسولگری خود را در کردستان عراق افتتاح کرد. پس از آن روابط اقتصادی و دیپلماتیک دوجانبه مستحکم میان دولت اقلیم کردستان و ایران گسترش یافت. همچنین در سال ۲۰۰۹ وزیر خارجه ایران به منظور تحکیم روابط اقتصادی میان دولت اقلیم کردستان و ایران برای اولین بار از کردستان عراق دیدار کرد. (Barzani, 2012.65)

کردهای ایران شاید تنها کردهایی هستند که کمترین انتظار چرخش و تغییر در آینده نزدیک را دارند. برخلاف کردهای کشورهای همسایه طی دو دهه اخیر آنها کوشیده‌اند خواسته‌های خود را در قالب اصلاحات و از طریق صندوق‌های رای پیگیری نمایند. تأسیس رشته زبان کردی در دانشگاه سنندج، انتصاب مقامات کرد تا سطوح بالای مدیریتی از جمله سخنگوی ریاست جمهوری، استاندار،

^۱ - Kurdistan Democratic Party of Iran

فرماندار، مدیرکل و... آنها را در پیگیری مسالمت آمیز خواسته‌های خود امیدوارتر کرده است. آنها امیدوارند با توجه بیشتر به این مناطق به ویژه پس از سفر مقام معظم رهبری به کردستان و تاکید معظم له بر محرومیت زدایی در کردستان روند توسعه در این بخش از کشور سرعت بیشتری پیدا کند. موضع ایران نسبت به استقلال کردستان عراق در چند سال اخیر هرگز تغییر نکرده است. مقامات ایران همواره اعلام کرده‌اند که از تجزیه عراق و تشکیل کردستان بزرگ حمایت نمی‌کنند. (Barkey, 2009:9) از نظر ایران، اگر کردستان عراق مستقل شود پژاک به احتمال زیاد بیشتر از گذشته تحریک و ترغیب به اقدام به شورش و خشونت بیشتر در ایران می‌شود. (Meintjes, 2018:7) به همین خاطر، احتمال حمایت ایران از استقلال کردستان عراق در آینده بسیار کم است. ایران به احتمال زیاد در آینده بخشی از جامعه بین‌المللی که از استقلال کردستان عراق حمایت می‌کند نخواهد بود. کما اینکه بعد از اعلام استقلال یک طرفه اقلیم کردستان عراق، ایران تمامی مرزهای هوایی و زمینی خود را بر روی این اقلیم بست. در آینده نیز احتمال می‌رود ایران به دولت عراق کمک نماید تا از آنچه نفوذ آمریکا و اسرائیل در کردستان عراق می‌خواند بکاهد. (Fonk, 2016:40)

عراق

عدم یکپارچگی ملی ویژگی ثابت و ماندگار کشور عراق از بدو تأسیس بوده است. تاریخ کشور عراق نشان می‌دهد که هرگز یک کشور متحد و یکپارچه نبوده است. برای محافظت از مرزهای عراق که پس از جنگ جهانی اول توسط انگلیس ترسیم شدند همیشه نیرو لازم بوده است. عراق تا قبل از ۲۰۰۳ یک حزب حاکم داشت و تعدادی حزب دیگر که در تلاش برای برانداختن این حزب بودند. ارتش در طول تاریخ عراق حداقل ۱۰ بار یا بوسیله کودتای واقعی، تهدید به کودتا یا فشار سیاسی اقدام به تغییر دولت کرده است؛ اما پس از ۲۰۰۳، حکومت در عراق بر مبنای تقسیم قدرت میان کردها، اعراب شیعه و اعراب سنی اداره می‌شود. به عبارت دیگر، وضعیت کنونی سیاسی در عراق بر اساس نژادی و گروهی استوار است. (Barzani, 2012:54)

پارلمان کنونی عراق به بهترین وجه شکست و عدم موفقیت تقسیم قدرت، دموکراسی مبتنی بر همکاری و تقسیم میان گروه‌های عراقی را نشان می‌دهد. نمایندگان کُرد به دنبال منافع کردها هستند؛ نمایندگان شیعه به شدت از منافع اعراب شیعه و نمایندگان سنی از منافع اعراب سنی و بعضی‌های سابق حمایت و دفاع می‌کنند. کردها و شیعیان با آراء زیاد به قانون اساسی جدید عراق رأی دادند در حالی که سنی‌ها آن را رد کردند. نکته حائز اهمیت در اینجا این نیست که عدم توافق سیاسی در مجلس عراق نشان‌دهنده عدم وحدت میان عراقی‌هاست بلکه هدف از گفتن آن نشان

دادن این است که ساختار جامعه عراق تشکیل یک نهاد سیاسی متحد را تضمین نمی‌کند که به نوبه خود باعث عدم یکپارچگی و موجب بی‌اعتمادی به دولت می‌گردد. تشکیل اقلیم کردستان عراق اساساً حاصل چنین فضایی در سال ۲۰۰۳ بود.

حکومت منطقه‌ای کردستان، ایالتی فدرال در داخل دولت فدرال عراق است که نظام سیاسی آن جمهوری مجلس محور است. قانون اساسی کردستان بر سایر قوانینی که از سوی دولت مرکزی عراق صادر می‌شود، به استثنای موارد یاد شده در ماده ۱۱۰ قانون اساسی فدرال اولویت دارد. همچنین بر اساس توافق بین گروه‌های پیروز در انتخابات سراسری مجمع ملی عراق، همواره یکی از سه شغل حساس و مهم ریاست جمهوری، نخست وزیری و ریاست مجلس و نیز یکی از سه وزارتخانه کلیدی امور خارجه، کشور و نفت در سطح ملی به کردها اختصاص دارد. در زمینه اختیارات حکومت منطقه‌ای کردستان در سطح بین‌المللی و روابط با سایر کشورها و نهادهای خارجی، در ماده ۲۲ از فصل چهارم قانون اساسی عراق آمده که حکومت‌های منطقه‌ای می‌توانند در زمینه‌های مورد نظر و همچنین امور محلی با کشورهای دیگر به امضای تفاهم نامه بپردازند و بر این اساس اجازه ارتباط با کشورهای خارجی به دولت منطقه‌ای کردستان عراق داده شده است. (نصری و رضایی، ۱۳۹۲: ۵۳)

همچنین ارتش عراق به بهترین شکل تقسیمات عمیق این کشور را نشان می‌دهد. تقسیم ارتش میان سه گروه نشان‌گر عدم یکپارچگی و وجود بی‌اعتمادی میان اعراب سنی، اعراب شیعه و کردهاست. هر گروه به تنهایی تلاش دارد تا قدرت کافی در عراق به دست آورد. کردها معتقدند در صورتی که اعراب سنی، اعراب شیعه یا هر دو گروه بر دولت مرکزی عراق مسلط شوند تجربیات گذشته تکرار خواهد شد. بنابراین شرایط، عراق به هیچ وجه مشابه دولت‌های ایران، ترکیه یا سوریه نیست. کردهای عراقی از یک طرف نگران این هستند که با طرح مجدد مطالبات کردی و استقلال، صلح، امنیت، توسعه‌ی سیاسی و قدرت اقتصادی نسبی حاصل شده مجدداً از دست برود و از طرف دیگر نمی‌توانند آرمان‌ها و رویاهای یکصد ساله خود را درباره استقلال فراموش کنند. استقلال اگر چه گزینه مطلوب و محتمل برای کردهای عراق است اما به هیچ وجه مورد پذیرش دولت مرکزی این کشور نیست. عمده این مساله به دلایل اقتصادی و چاه‌های نفت قرار گرفته در کرکوک باز می‌گردد. (نیکفر و ماهیدشتی، ۱۳۹۵: ۱۶۷) لذا کردها در صورتی می‌توانند به استقلال دست یابند که ابتدا اختلافات سیاسی، اقتصادی خود با دولت مرکزی را حل نمایند. برای این کار چشم امید کردها به فشارهای آمریکا بر دولت مرکزی عراق است. به عبارت دیگر تا زمانی که

چراغ سبز لازم از سوی واشنگتن به کردها نشان داده نشود آنها نمی‌توانند به تشکیل دولت کردستان امید چندانی ببندند.

سایر بازیگران تاثیرگذار در روند استقلال کردستان عراق

اسرائیل

اسرائیل یکی از کشورهای منطقه خاورمیانه، سرزمین کوچک و باریکی است که به دلیل ماهیت مصنوعی آن و ظهور این کشور از طریق اشغال سرزمین فلسطین توسط یهودیان و همکاری قدرت‌های بزرگ، تنها از لحاظ جغرافیایی در منطقه خاورمیانه قرار گرفته و از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، از بدو تأسیس تاکنون در انزوا و محاصره دولت‌های عرب و مسلمان بوده است. بنابراین، انزوا، آسیب‌پذیری و خلأ مشروعیت بین‌المللی و منطقه‌ای، خطرات عمده‌ای بوده‌اند که همواره موجودیت اسرائیل را از ابتدای تأسیس آن تهدید نموده‌اند. بر این اساس، یکی از اولین و مهم‌ترین اهداف اسرائیل در منطقه، تلاش برای خروج از انزوا و کسب متحدانی در خاورمیانه بوده است. در این زمینه، اسرائیل از یک‌سو از طریق سیاست تهاجمی و توسعه‌طلبانه در صدد مدیریت منازعات خود با اعراب برآمده و از سوی دیگر از طریق دکترین اتحاد پیرامونی، به دنبال توسعه حضور و نفوذ خود در منطقه بوده است. (تقی‌پور، ۱۳۸۳: ۶۹-۳۵)

در این میان، با توجه به اینکه اسرائیل از جانب اعراب در محاصره قرار گرفته بود و کشورهای عربی با تشکیل آن مخالفت‌های شدیدی ابراز کردند، لذا توجه سیاستمداران اسرائیل به ایجاد ارتباط با سایر بازیگران منطقه‌ای که شامل کشورهای مسلمان غیرعربی (ترکیه و ایران)، کشور-های مسیحی دارای هویت مسیحی (مانند اتیوپی و لبنان) و نیز اقلیت‌های قومی غیر عربی یا غیر مسلمان (گردها و ارامنه) می‌شد، معطوف گردید. این استراتژی که با عنوان اتحاد پیرامونی یا حاشیه‌ای معروف شد، اولین بار توسط «ریوون شیلوا» نخستین رئیس موساد طراحی و به بن‌گورین ارائه شد. هسته اصلی این استراتژی، جهش به آن سوی حلقه کشورهای عرب متخاصمی بود که اسرائیل را محاصره کرده بودند. بنابراین، استراتژی پیرامونی تأکید می‌کرد که اسرائیل باید روابط خود را با کشورهای پیرامون جهان عرب توسعه دهد، زیرا همان‌گونه که اعراب، اسرائیل را محاصره کرده بودند، اسرائیل نیز باید بتواند کشورهای عربی را محاصره کند تا از این طریق در دراز مدت، زمینه خروج اسرائیل از انزوای سیاسی در منطقه فراهم شود و منافع اقتصادی و امنیتی آن نیز در برابر کشورهای عربی تأمین گردد. این استراتژی که مبتنی بر قاعده «دشمن

دشمن من، دوست من است»^۱ استوار گردیده بود، زمینه‌ی تقویت همکاری، اقلیت‌های غیرعرب منطقه مانند کردها با اسرائیل را به وجود آورد. (موسوی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۰۳)

رابطه با کردها به عنوان بزرگ‌ترین گروه قومی فاقد استقلال سیاسی در جهان و مؤثرترین جریان غیردولتی غیرعرب در خاورمیانه با اسرائیل، در راستای منافع اسرائیل می‌باشد. بنابراین کردها از اهمیت بسیاری در استراتژی امنیت ملی اسرائیل در راستای تلاش آن برای حفظ موجودیت سیاسی خود در خاورمیانه برخوردارند و در طول جنگ‌های اعراب و اسرائیل نیز در چهارچوب روابط کردها به رهبری ملامصطفی بارزانی با اسرائیل، از آنها به عنوان اهرم فشاری علیه عراق و سوریه در منطقه استفاده شد. از سوی دیگر از ابتدای دهه ۶۰ میلادی روابط میان اسرائیل و کردهای عراقی با دیدار محرمانه پرز، وزیر دفاع وقت اسرائیل، با یکی از رهبران کرد که از اعضای سازمان موساد در سال‌های اولیه استقلال اسرائیل نیز بود، تقویت شد (در سال ۱۹۶۴ میلادی) و به همکاری موساد و کردها در زمینه‌ی برگزاری دوره آموزش سه ماهه موساد برای پیشمرگان کرد در سال ۱۹۶۵ میلادی انجامید. (Minasian, 2007. 19-16)

بنابراین می‌توان گفت؛ اسرائیل به نوبه خود دارای منافع اقتصادی و امنیتی در حمایت از کردهای عراق است. موقعیت کردستان عراق به عنوان منطقه‌ای مهم از خاورمیانه نه تنها تهدیدی برای اسرائیل نیست بلکه فضای تنفس استراتژیک آن را در منطقه بالا می‌برد (زیباکلام و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۱) این مسئله سبب افزایش حساسیت دولت‌های منطقه و به‌ویژه چهار کشور ایران، عراق، سوریه و ترکیه نسبت به تعاملات اسرائیل و کردها شده و به اخبار و اطلاعات منتشره در مورد حضور و نفوذ اسرائیل در منطقه دامن زده است؛ به گونه‌ای که در برخی از موارد به ویژه در رسانه‌های ترکیه و کشورهای عربی منطقه، ابعاد این روابط بزرگ‌نمایی شده و در حد وسیعی گسترش یافته است. در حال حاضر حضور اسرائیل در کردستان عراق می‌تواند برگ برنده‌ای برای کردها در برابر قدرت‌های منطقه‌ای محسوب شود تا به نوعی کشورهای منطقه‌ای چون سوریه، ایران و سایر دولت‌های عرب و حتی ترکیه را تحت الشعاع قرار دهد. اسرائیل می‌تواند ضمن تأثیرگذاری بر آمریکا در خصوص استقلال اقلیم، زمینه سرمایه‌گذاری اقتصادی، کشاورزی و خدماتی را فراهم و افزون بر تقویت توان نظامی و دفاعی، ساختار اقتصادی اقلیم را بهبود بخشد. همچنین در صورت استقلال اقلیم، اسرائیل از منافع زیادی برخوردار خواهد بود که از مهمترین آنها می‌توان به ایجاد ناامنی و تضعیف عراق، دستیابی به منابع سرشار نفتی و معدنی و واپایش ایران از طریق حضور در اقلیم

^۱ - Enemy of enemy is my friend

کردستان، ناامن کردن عقبه کشورهای مخالف اسرائیل اشاره کرد. در مجموع استقلال اقلیم و به دنبال آن تشکیل دولت کردستان نتیجه‌ای برد-برد برای هر دو طرف در پی خواهد داشت. (نصری و رضایی، ۱۳۹۲: ۴۱)

روسیه

نگاه روسیه به تحولات منطقه و خاصاً کردها به موازنه قدرت در خاورمیانه باز می‌گردد. تلاش روسیه همواره این بوده تا بین کردها و دولت‌های آنها میانجیگری نماید تا تعارضات بین آنها به شکل مسالمت آمیز فیصله پیدا کند. روسیه این کار را با هدف کاستن از مداخلات آمریکا در منطقه انجام می‌دهد. (Charountaki, 2014.137) برای روس‌ها هر اتفاقی در جغرافیای منطقه که بتواند موازنه قدرت را به سمت آمریکا تغییر دهد نامطلوب تلقی می‌شود. به همین خاطر نیز بود که روسیه با حمله آمریکا به عراق مخالفت کرد و پس از سقوط صدام نیز تمامی تلاش خود را مصروف ناکارآمدی طرح دولت ملت سازی آمریکا در عراق و هژمونی این کشور در منطقه کرد. (Wehrey et al, 2010.56-60) در حال حاضر روسیه به عراق و مناطق شمالی آن به عنوان ثروتی استراتژیک می‌نگرد که می‌تواند به شرکت‌های روسی فرصت سرمایه‌گذاری و اکتشاف نفت دهد. (Klare, 2005.146-147) در سال ۲۰۱۱ شرکت گازپروم اولین قرارداد نفتی خود را با اقلیم کردستان عراق امضا کرد و از آن زمان روسیه به یکی از بازیگران نفتی کردستان عراق تبدیل شده است. (Stansfield, 2013.273) روسیه در جریان استقلال اقلیم کردستان عراق با این خواسته مخالفت کرد و آن را موجب افزایش تنشها و اختلافات در منطقه دانست. در کل از آنجا که تشکیل دولت کردستان عراق موجب رنجش کشورهای ایران و سوریه به عنوان متحدین مسکو در منطقه می‌گردد و می‌تواند معادلات قدرت منطقه‌ای را به ضرر روسیه تغییر دهد مسکو ترجیح می‌دهد در حال حاضر هیچ تغییری در جغرافیای منطقه خاورمیانه شکل نگیرد.

آمریکا

از بین کشورهای فرمانطقه‌ای مهمترین کشوری که در استقلال اقلیم می‌تواند تأثیرگذاری زیادی داشته باشد، آمریکاست که در فدرالی شدن اقلیم کردستان نقش زیادی داشت. آنچه در حال حاضر برای آمریکا اهمیت راهبردی بیشتری دارد حفظ یکپارچگی و تمامیت ارضی عراق است. شاید یکی از اشتباهات تاریخی خانواده بارزانی‌ها در اقلیم کردستان عراق این بود که در زمانی نامناسب دست به اعلام استقلال یک طرفه کردستان زد. زمانی که به نظر آمریکایی‌ها با وجود خطر داعش در مرزهای عراق مناسب نبود. در هر صورت کردها متحد اصلی آمریکا در شمال

سوریه و در خاک عراق هستند. دولت آمریکا ترجیح می‌دهد یک عراق سکولار بر شیعیان و یک دولت مرکزی قدرتمند در اقلیم کردستان بر کردها حکومت کند. آنها اگر چه تشکیل کردستان عراق را گزینه‌ای موثر برای تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی در خصوص اقلیت قومی کرد در مرزها محسوب می‌کنند اما همزمان به این نکته نیز واقف هستند که با این کار متحد اصلی آنها در منطقه یعنی ترکیه از واشنگتن دور خواهد شد. پس ترجیح آنها این است که با کارت کردها در عراق بازی نمایند. هم با وعده و وعید دادن کردها را در جنگ‌های نیابتی مشغول سازند و هم چشمان خود را بر روی اقدامات ترکیه در شمال سوریه ببندند. هم از دولت مرکزی عراق حمایت نمایند و هم بر آتش استقلال و جدایی در میان کردها بدمند. به نظر می‌رسد در حال حاضر منافعی که در اختلاف بین بازیگران فوق برای آمریکا متصور است در تشکیل یک دولت کرد مستقل در عراق متصور نیست. شاید به همین خاطر نیز بود که واشنگتن فرزندم استقلال در عراق را جدی نگرفت و با آن هم‌نواپی نکرد. (Shukri, 2017. 13-151)

اتحادیه اروپا

پس از آنکه مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان عراق در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ از برگزاری فرزندم استقلال کردستان عراق در آینده نزدیک خبر داد کشورهای اروپایی از جمله شوریهایی بودند که به این خبر واکنش نشان دادند. نگرانی اتحادیه اروپا در اصل ریشه در تحولات رخ داده در منطقه خاورمیانه از سال ۲۰۱۱ به بعد داشت. در حالیکه داعش در خاک سوریه و مجاورت مرزهای عراق قرار داشت و بازیگران مختلفی درگیر بحران فوق بودند این خبر و موضعگیری‌های پیرامون آن می‌توانست شکاف در جبهه متحد بین‌المللی علیه داعش را بیشتر سازد. آنها حتی ترس داشتند که مساله استقلال کردستان بار دیگر رقابت‌های ایران و عربستان در عراق را زنده سازد و اوضاع این کشور را از آنچه که هست پیچیده تر سازد. همچنین اتحادیه اروپا نیم‌نگاهی به جمعیت ۲ میلیون نفری آوارگان و پناهندگان کرد در کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز داشت و نگران بود که بحران عراق مشکلات امنیتی داخلی این کشورها را تشدید سازد. (Torelli, 2016.-) 21 سوئد به عنوان یکی از اعضای اتحادیه اروپا پیشتر ناآرامی‌هایی را بین جوامع کرد و ترک خود بر سر بحران کوبانی تجربه کرده بود و احتمال تکرار آن در این کشور و سایر دولت‌هایی که چنین اقلیت‌هایی مهاجری در آن وجود دارند؛ وجود داشت. به این نگرانی‌ها تشکیل گروه انصار الاسلام در حلبچه عراق در سال ۲۰۰۱ و پیوستن صدها کرد به داعش در سال ۲۰۱۴ را نیز باید اضافه کرد. (Schanzer, 2004. 41-50) لذا در زمانی که دولت عراق می‌بایست همکاری‌های

اطلاعاتی خود را با اقلیم کردستان تشدید می‌کرد بحث استقلال می‌توانست به شکاف بین این دو دامن زده و حتی درگیری‌ها و ناامنی‌ها در داخل خود اقلیم کردستان را نیز تشدید سازد. علاوه بر موارد فوق اتحادیه اروپا نگرانی‌هایی در خصوص رفتار روسیه پس از اعلام استقلال کردستان عراق داشت. این نگرانی‌ها در اصل از برنامه مسکو برای توسعه روابط با عراق ناشی می‌شد. کشورهای عضو اتحادیه اروپا ترس این را داشتند که یکبار دیگر مسکو در حمایت از دولت عراق و مشابه مورد سوریه وارد درگیری‌های نظامی در خاک عراق گردد. همه این موارد نه تنها اتحادیه اروپا را نسبت به استقلال کردستان عراق بیمناک ساخت بلکه به مخالفت با آن واداشت. (Kader and Soleri, 2018:3-4)

نتیجه‌گیری

تقسیم کردها بین کشورهای خاورمیانه سبب شده که مناطق گردنشین این کشورها از لحاظ جغرافیایی از موقعیت حاشیه‌ای برخوردار شوند. این موقعیت حاشیه‌ای همراه با توپوگرافی و فضای پیچیده و نگرش دولت‌ها و گروه اکثریت ملی به آنها (در عراق، ترکیه و سوریه) باور تبعیض و بی‌عدالتی را در بین اقلیت گرد گسترش داده و روابط آنها را با دولت مرکزی دچار چالش کرده است. به همین خاطر موضوع استقلال کردها نزدیک سه دهه است که به صورت جدی از سوی کردهای عراق و ترکیه دنبال می‌شود. در برابر این استقلال خواهی سیاست کشورهای دارنده این اقلیت‌ها بر یک موضع واحد، یعنی نفی این استقلال خواهی متمرکز بوده است. از طرفی مسئله کردستان به عنوان مشکل مشترک کشورهای دارای اقلیت گرد نه تنها باعث همگرایی و اتخاذ مواضع و رفتار یکسان از سوی این کشورها گردیده بلکه به برخی اختلافات آنها در گذشته نسبت به مسائل گرد نیز پایان داده است. مسئله نگرانی این کشورها از تحولات شمال عراق و پیشرفت خودگردانی در آن همچنان جزو اولویت‌های سیاست خارجی آنها نسبت به همدیگر است. آنها گه‌گاه ضمن ابراز نگرانی از تأثیر خودگردانی بر اقلیت گرد و احساس تهدید تمامیت ارضی کشورشان، همدیگر را به حفظ مواضع و اقدام مشترک نسبت به بحران کردستان توصیه می‌نمایند. یکی از جاهایی که این همگرایی خود را به خوبی نشان داد موضع واحد ایران، ترکیه و سوریه در قبال استقلال کردستان عراق بود. هر سه دولت استقلال کردستان عراق را مقدمه تجزیه خاک خود و زمینه ساز مداخلات خارجی در منطقه دانستند. لذا با صدای واحد و بلند این استقلال طلبی را نفی کردند. اگر چه با مقاومت این دولت‌ها و مداخله نظامی دولت عراق همه

چیز در ظاهر پایان یافته است اما همچنان قدرت های خارجی به دنبال بهره برداری از این موضوع برای تحت فشار قرار دادن دولت عراق و همسایگانش هستند.

در حال حاضر کشورهای غربی از یکسو از موضوع استقلال کردستان عراق، به عنوان اهرم فشاری مؤثر و کارت بازی فعال در بازی خود با کشورهای منطقه استفاده می‌کنند و از طرف دیگر از همین ابزار کارآمد در روابط غرب با رهبران کرد منطقه استفاده می‌شود. اتخاذ مواضع دو پهلو و مبهم، در برابر خواست کردها مبنی بر استقلال یکی از نشانه های این سیاست است. ساخت بزرگ‌ترین کنسولگری آمریکا در منطقه و به روایت دیگر در جهان که در شهر اربیل پایتخت اقلیم کردستان عراق احداث شد نشان می‌دهد واشنگتن نمی‌تواند و نمی‌خواهد فرصت بازی با کردها را از طریق اقلیم از دست دهد. در نتیجه، یافتن سناریوهای آینده برای سیاست‌های اقلیم کردستان در خاورمیانه نیازمند در نظر گرفتن تعامل میان گروه‌های متنوع کرد، مقامات کشور-هایی که در آن زندگی می‌کنند (ایران، عراق، سوریه و ترکیه) و سایر بازیگران مخالف غیردولتی (از قبیل گروه‌های متخاصم اسلامی، شبه‌نظامیان شیعه و سایر گروه‌های نژادی مثل ترکمن‌ها و مسیحیان آشوری) و بازیگران بین‌المللی (ایالات متحده، اتحادیه‌ی اروپا و روسیه) است.



منابع فارسی

کتاب

- تقی‌پور، تقی (۱۳۸۳)، استراتژی پیرامونی اسرائیل، تهران: مؤسسه مطالعات پژوهش‌های سیاسی

مقالات

- بهادر امینیان، مائده کریمی قهرودی (۱۳۹۱)، استراتژی دولت-ملت سازی آمریکا در افغانستان، دوفصلنامه علمی-پژوهشی دانش سیاسی، سال ۸، شماره ۱

- بیات، ناصر (۱۳۹۰)، نقش ترکیه در تحولات خاورمیانه با تأکید بر تحولات سوریه، فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری، سال ۲، شماره ۲

- حسن بوژمهرانی، مهدی پوراسلامی (۱۳۹۳)، تهدیدهای نرم خودمختاری اقلیم کردستان عراق و تاثیر آن بر کردهای ایران، دوفصلنامه علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۲، شماره ۱

- حسین مسعودنیا، علی ابراهیمی، مجتبی رضازاده (۱۳۹۶)، اقلیم کردستان عراق و جمهوری اسلامی ایران در عصر وابستگی متقابل: فرصت‌ها و چالش‌ها، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره ۳۳

- زهرا پیشگاهی فرد، بهرام نصراللهی زاده (۱۳۹۱)، پیامدهای تشکیل حکومت ناحیه‌ای کردستان عراق در کردستان ایران، فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، سال ۲۳، شماره ۲

- زرگر، افشین (۱۳۸۶)، مدل‌های دولت-ملت سازی؛ از مدل اروپایی تا مدل اوراسیایی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال ۴، شماره ۷

- سید شمس‌الدین صادقی، احمد رحیمی (۱۳۹۶)، دیاسپورای کرد و نقش منافع ژئوپولیتیک در تحول راهبرد ترکیه نسبت به کردهای عراق و سوریه (۱۳۸۲-۱۳۹۵)، فصلنامه سیاست، دوره ۴۷، شماره ۲

- صادق زیباکلام، محمدرضا عبدالله پور (۱۳۹۰)، ژئوپولیتیک شکننده کردستان عراق، عاملی همگرا در نزدیکی کردهای عراق به اسرائیل، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۴

- علی، باقری دولت‌آبادی، سیروان دهگلان (۱۳۹۴)، بحران سوریه؛ بررسی انگیزه‌ها، موانع و آینده کردها، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۹، شماره ۱

- علی، باقری دولت‌آبادی، مهدی ماهیدشتی (۱۳۹۶)، آینده سیاسی کردستان سوریه: بیم

- ها و امیدها، مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ۶، شماره ۲۳
- علیرضا موسوی‌زاده، مهدی جاودانی مقدم (۱۳۸۸)، جایگاه استراتژیک کردستان عراق در سیاست خارجی اسرائیل و الزامات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دانشنامه حقوق و سیاست، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۱۱
- قدیر نصری، داود رضایی (۱۳۹۲)، امکان سنجی استقلال اقلیم کردستان عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه امنیت پژوهی، سال ۱۲، شماره ۴۴
- مسعود اخوان کاظمی، فرزاد رستمی و حامد شاه‌ملکی (۱۳۹۶)، تحلیل رابطه اسرائیل و کردستان عراق و پیامدهای امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران، جستارهای سیاسی معاصر، سال ۸، شماره ۴
- محمدرضا حافظ‌نیا، ریباز قربانی نژاد و زهرا احمدی پور (۱۳۸۸)، تحلیل تطبیقی الگوی خودگردانی کردستان عراق بالگوهای خودمختاری و فدرالیسم، فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۴، شماره ۲
- مصطفی خیری، عنایت‌الله یزدانی و علی امیدی (۱۳۹۶)، مساله کردها و روابط جمهوری اسلامی ایران و ترکیه (۲۰۰۲-۲۰۱۶)، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ۷، شماره ۴۶
- جاسب نیکفر، مهدی ماهیدشتی (۱۳۹۵)، واکاوی استراتژی نفتی اقلیم کردستان عراق؛ اهداف و رویکردها، پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۱۴

English Resources

Book

- Asseburg, Muriel (2013), **Syria's Civil War: Geopolitical Implications and Scenarios**, Berlin: Mediterranean Yearbook
- Barkey, Henri J. (2009), **Preventing Conflict over Kurdistan**, Carnegie Endowment for International Peace
- Charountaki, Marianna (2014), **The Kurds and U.S. Foreign Policy: International Relations in the Middle East Since 1945**, London: Routledge
- Klare, Michael T. (2005), **Blood and Oil: The Dangers and Consequences of America's Growing Petroleum Dependency**, London: Penguin
- Torelli, Stefano M. (2016), **Kurdistan an Invisable Nations**, ISPI.Via Clerici
- Urrutia, Pamela & Ana Villellas, (2012), **Reopening the Kurdish Question: States, Communities and Proxies in a Time of Turmoil**, NOREF / Norwegian Peacebuilding Resource Center, September
- Wehrey, Frederic and others, (2010), **The Iraq Effect: The Middle East after the Iraq War**, Rand Corporation
- Yildiz, Kerim; Taysi, Tanyel B., (2007), **The Kurds in Iran: The Past, Present and Future**, London: Pluto Press

- Held, David (1991), **models of Democracy and Edition**, polity press, Great Britain

Articles

- Aghion, P., X. Jaravel, T. Persson & D. Rouzet (2014), **Education and Military Rivalry**', NBER Working Paper, No. 18049
- Celep, Ödül (2014), **Can the Kurdish Left Contribute to the Turkey's Democratization?**, Insight Turkey, Vol.16, No.3
- Dahlman, Karl (2002), **The Political Geography of Kurdistan**, Eurasian Geography and Economics, Vol. 43, No.4
- Efeğil, Ertan (2011), **Analysis of the AKP Government's Policy Toward the Kurdish Issue**, Turkish Studies, Vol. 12, No. 1
- Fonk, Zachary Robert (2016), **Iraqi Kurdistan Independence: Effects on Regional Stability**, Master's Capstone Teses. Paper 78
- Hatem, Robert & Mark Dohrmann (2013), **Ankara's Challenges: Turkey's Fix for the "Kurdish Problem**, Middle East Quarterly, Vol.20, No.4
- Meintjes, Albertus Jacobus (2018), **The Complications of Kurdish Independence**, Open Journal of Political Science, Vol.8
- Milburn, France (2017), **Iranian Kurdish Militias: Terrorist-Insurgents, Ethno Freedom Fighters, or Knights on the Regional Chessboard?**, Combating Terrorism Center (CTC), Volume 10, Issue 5
- Minasian, Sergey (2007), **The Israel – Kurdish Relations**, 21-st Century, No. 1
- Rantanen, Terhi (2005), **The Message is the Media: An interview with Manuel Castells Global Media and Communication**, Vol. 1(2)
- Porter, Kirsten (2003), **The Realisation of National Minority Rights**, *Macquarie Law Journal*, Vol 3
- Schanzer, Jonathan (2004), **Ansar al-Islam: Back in Iraq**, Middle East Quarterly, Vol.11, No.1
- Stansfield, Gareth (2013), **The unravelling of the post-First World War state system? The Kurdistan Region of Iraq and the transformation of the Middle East**, International Affairs, Vol. 89, No.2

Site

- Bozarslan, Mahmut (2017), **Did Kurds determine outcome of Turkey's referendum?**, Al-Monitor, Available at: <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2017/04/turkey-referendum-did-kurds-decide-outcome.html>
- Cagaptay, Soner & Cem Yolbulan (2016), **The Kurds in Turkey: A Gloomy Future**, *The Washington Institute*, 10 August 2016, pp.44-70. Available at: <https://www.washingtoninstitute.org/uploads/Documents/opeds/Cagaptay20160810-ISPI.pdf>

- Isik, Ebubekir (2016), **The EU-Turkey refugee deal and the Kurdish issue'**, aljazeera, Available at: <http://www.aljazeera.com/indepth/opinion/2016/03/eu-turkey-refugee-deal-kurdish-issue-160302113254551.html>
- Kader, Ariz & Eduard Soler i Lech (2018), **Iraqi Kurdistan and beyond: The Eu Stakes**, Future Notes, No.9, February 2018, pp.1-6.
- Kurd Watch (2009), **The Kurdish policy of the Syrian government and the development of the Kurdish movement since 1920**, Kurd Watch, Report 1, PP.1-24. Available from: http://www.kurdwatch.org/pdf/kurdwatch_einfuehrung_en.Pdf
- Kurdish Diaspora (2017), **The Kurdish Population**, Institute Kurd, 12 January 2017, Available at: <https://www.institutkurde.org/en/info/the-kurdish-population-1232551004>
- Peters, Anne (2018), **The Turkish Operation in Afrin (Syria) and the Silence of the Lambs**, Max-Planck-Institut für ausländisches öffentliches Recht und Völkerrecht, 30 January 2018, Available at: http://www.mpil.de/files/pdf5/Peters_EJIL_Talk_Turkey_Syria.pdf
- Shukri, Nawzad Abdullah (2017), **Explaining U.S Foreign Policy Towards Kurdistan Region of Iraq (2003-2015)**, Thesis submitted for the degree of Doctor of Philosophy At the University of Leicester, Department of Politics and International Relations, January 2017, available at: <https://ira.le.ac.uk/bitstream/2381/39353/1/2017shukrinawzadphd.pdf>
- Tekdemir, Omer (2016), **Politics of the Turkish Conflict: The Kurdish Issue**, E-International Relations, Available at: <http://www.e-ir.info/2016/04/15/politics-of-the-turkish-conflict-the-kurdish-issue/>
- Weise, Zia (2017), **Turkish 'No' Voices Muffled in Erdoğan's Referendum**, Politico Europe, Available at: <http://www.politico.eu/article/turkey-constitutional-referendum-recep-tayyip-erdogan-orhan-pamuk-akp-chp-degirmenci-hurriyet/>

Thesis

- Barzani, Niyaz (2012), **The Feasibility of an Independent Kurdish State in Iraq**, Thesis Presented to the Graduate Faculty of the University of Texas, San Antonio